



Aydin Aghdashloo
A selection of paintings



انتشارات کتاب آبان

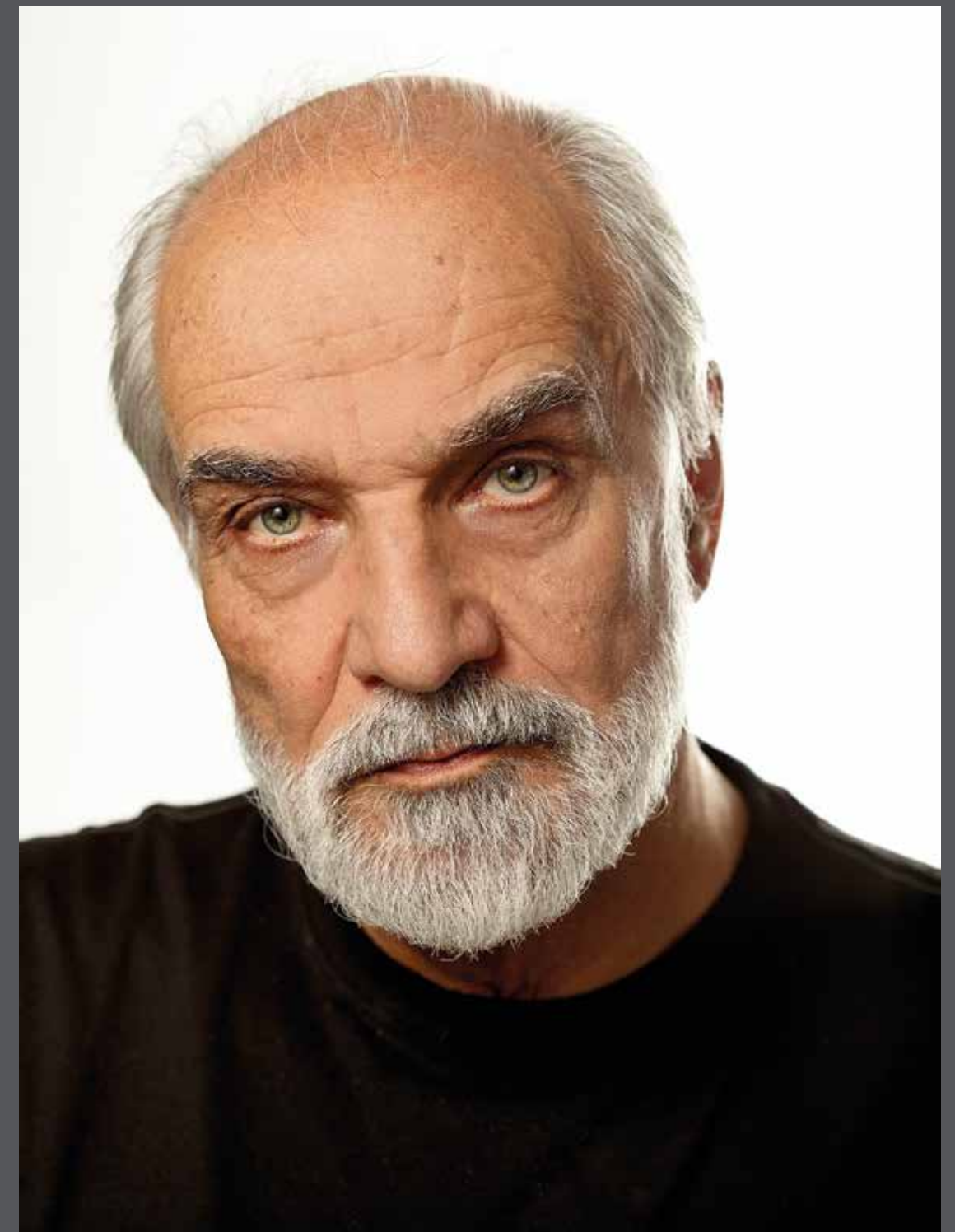
DID PUBLICATIONS

All rights are reserved.
No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system or transmitted in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or otherwise, without prior permission of the publishers.

Art Direction & Graphic Designer: Studio Shafei – Basel, Switzerland
Photography: Saeid Behrouzi, Majid Panahijoo and Davood Sadeghsa
Portrait: Mehrab Moghadasian
Translation into English: Sohrab Mahdavi
Print and lithography: Oskoei Print – Tehran, Iran

Printed in 2014 – Tehran, Iran
Circulation: 1000 Copies

Aydin Aghdashloo
A selection of paintings



Should art not find the new and the old together within itself it will surely miss the gift of the messengers of insight, for they are daughters of memories, and memory is possible only when today and yesterday are seen as connected.

Those who haven’t denied themselves such gifts are not many; few are those who know that history is not limited to calendars — it shapes cultures in such a way as to form human cosmogonies, and becomes a necessary tool for constructing a meaningful biosphere by cosmopolitan human beings.

I believe that at least in the current cultural climate of modern arts — where the dominant tendency is to stage a rebellion against the old — those who value traditions tend to be few.

Aydin Aghdashloo is perhaps one of the trailblazers and at the same time most influential of this select group. We can say, based on his oeuvres, that he doesn’t see the need to follow fashionable artistic or philosophical tendencies of the day that invite an ill-affected and rebellious culture.

“Emma Bovary is me,” said Gustav Flaubert to a journalist. This statement can be taken to mean that the work of an artist is often a reflection or outline of his/her own self. In the same way, Aghdashloo is depicting an old and dilapidated door and calling it “Portrait of the Artist at Forty Eight.” The self that Aghdashloo shows us is always a historical self, taking form within a meaningful landscape of events.

In addition, we can say and understand that this historical consciousness benefits from a forthright and ironic discourse that employs a disciplined and consummate rhetoric. As such, I argue that his interventions are among the most lucid artistic expressions in the world of Iranian arts, the way his favorite poet, Sa’di, figures among major classical Iranian poets. Emphatic deformations, obstinate deployment

of repetitious patterns in decorative forms, have created rhythmic layers that have in turn lead to rhyming structures. This requires a special methodological approach to technique.

Those in the know will no doubt agree that a masterly twist of brush can show the lightning bolt of intelligence. I mention this to remind readers that developing taste and sensibility is one of the pre-conditions of this profession. To me, Aghdashloo fulfills requisites of technique and aesthetic sensibility seamlessly.

Art in many of its manifestations is the staging of a battle between Eros and Thanatos, an unjust and always unequal battle. Aghdashloo’s works also speak to this thematic, but in his more recent works the battle has become more mysterious, introducing parody in aesthetic expression.

What is shown is what is known as tragic aesthetics. This is an ephemeral beauty doomed to death and discontinuity, of which history speaks endlessly.

Beauty standing at the shores of history, this is what the daughters of memory have brought to and inspired in us.

Babak Roshaninejad
August 2014

Winter (2014)
From the *Memories of Destruction* series
Gouache on cardboard, 78×58 cm

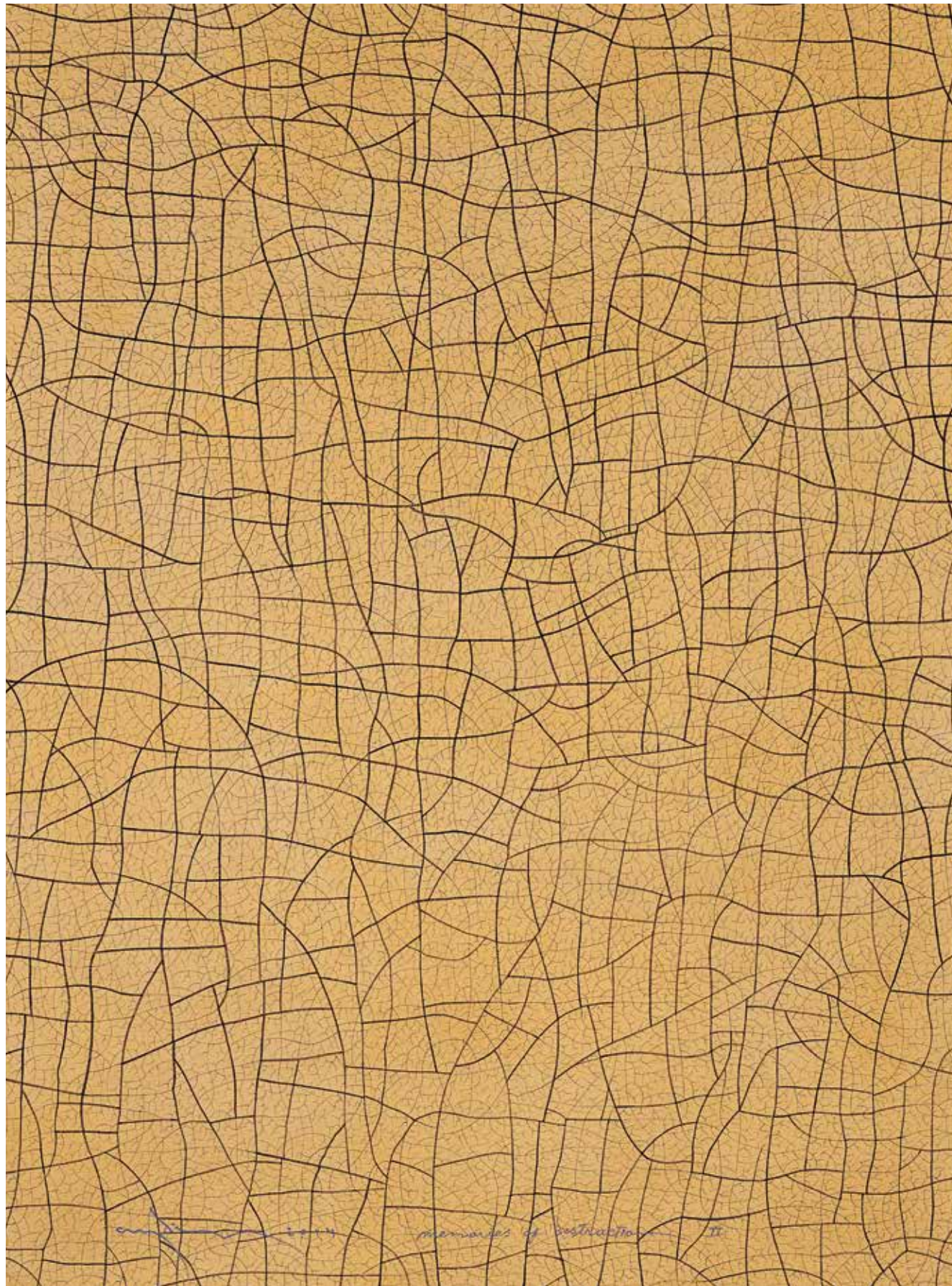
زمستان (۱۳۹۳)
از مجموعه‌ی خاطرات انهدام
گواش روی مقوا، ۷۸×۵۸ سانتی‌متر





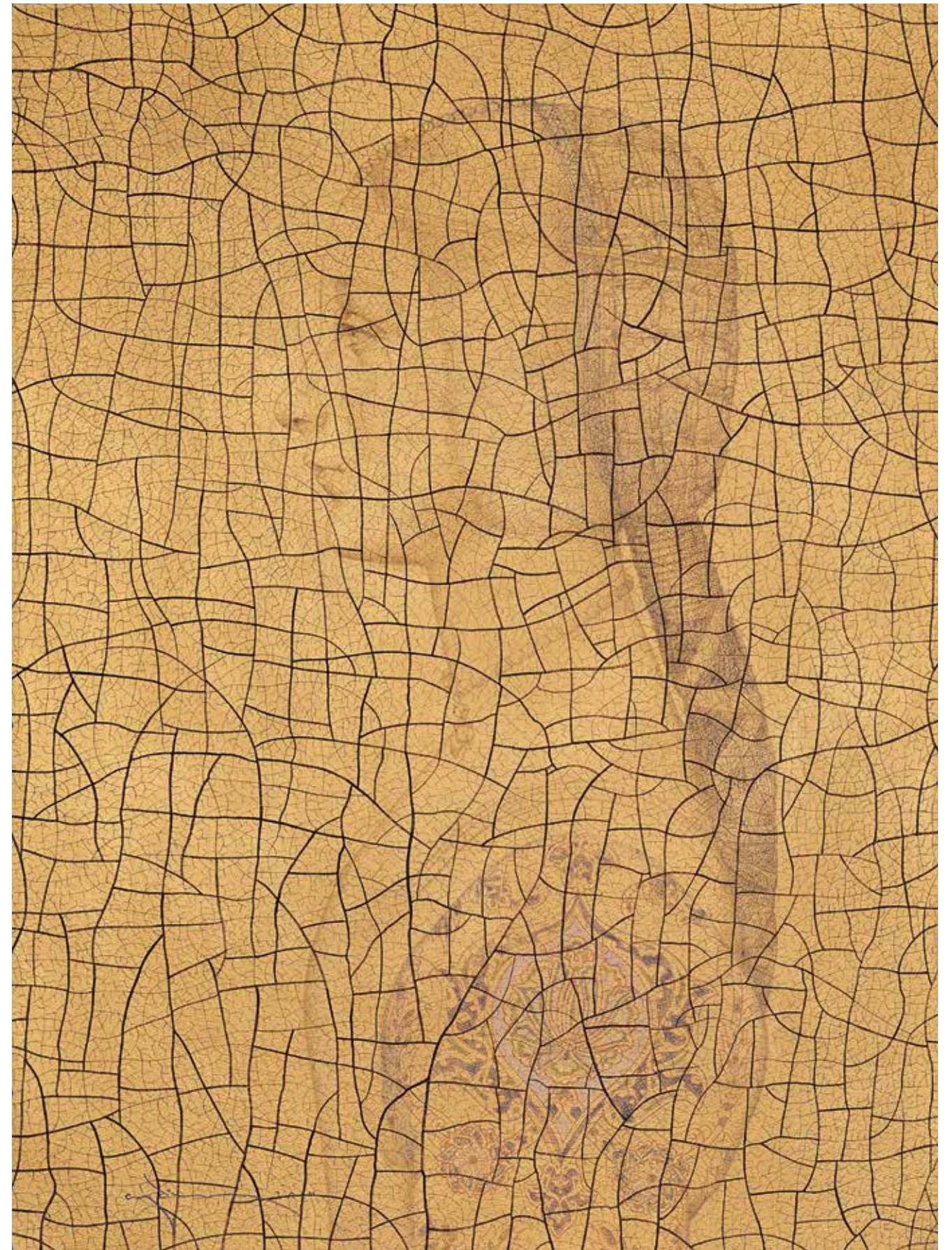


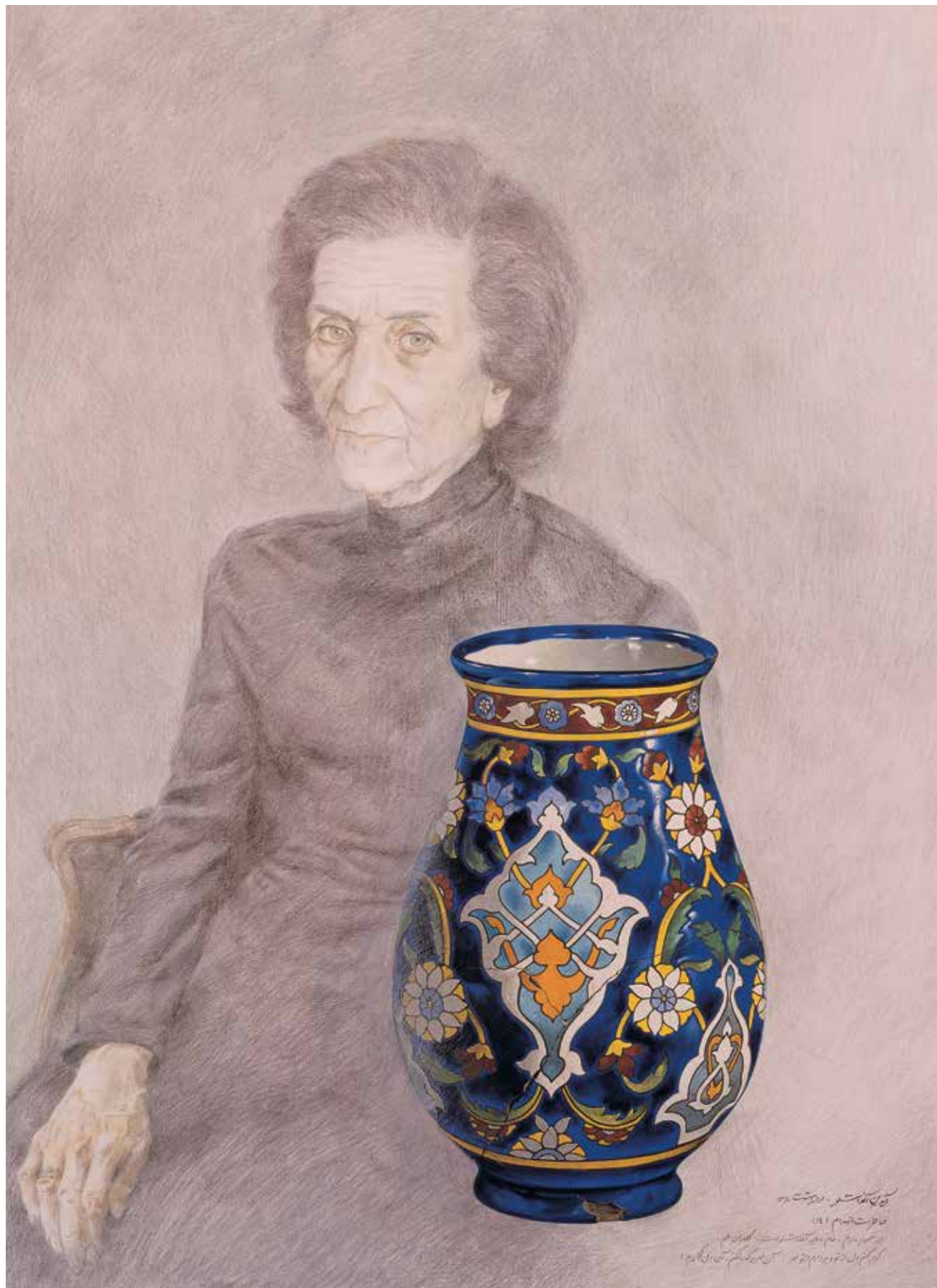




The Ultimate Destruction (2014)
From the *Memories of Destruction* series
Gouache on cardboard, diptych, 78×116 cm overall, 78×58 cm each panel

انهدام نهایی (۱۳۹۳)
از مجموعه‌ی خاطرات انهدام
گواش روی مقوا، دو لته‌ای، ۷۸×۱۱۶ سانتی‌متر، هر لته ۷۸×۵۸ سانتی‌متر





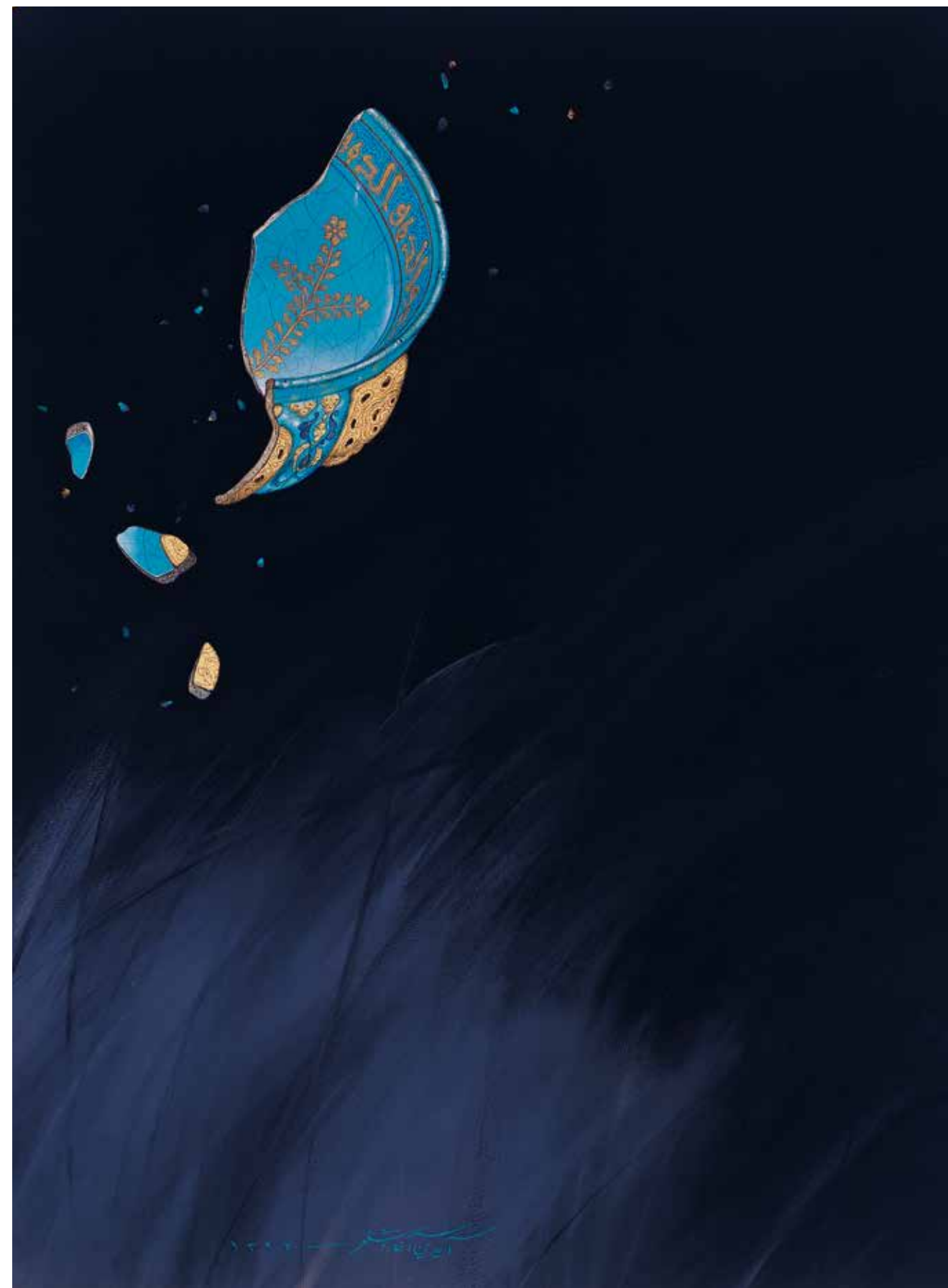
Portrait of My Mother (1981)
From the *Memories of Destruction* series
Gouache and pencil on cardboard, 68×55 cm

تک چهره مادر نقاش (۱۳۶۰)
از مجموعه‌ی خاطرات انهدام
گواش و مداد رنگی روی مقوا، ۶۸×۵۵ سانتی‌متر

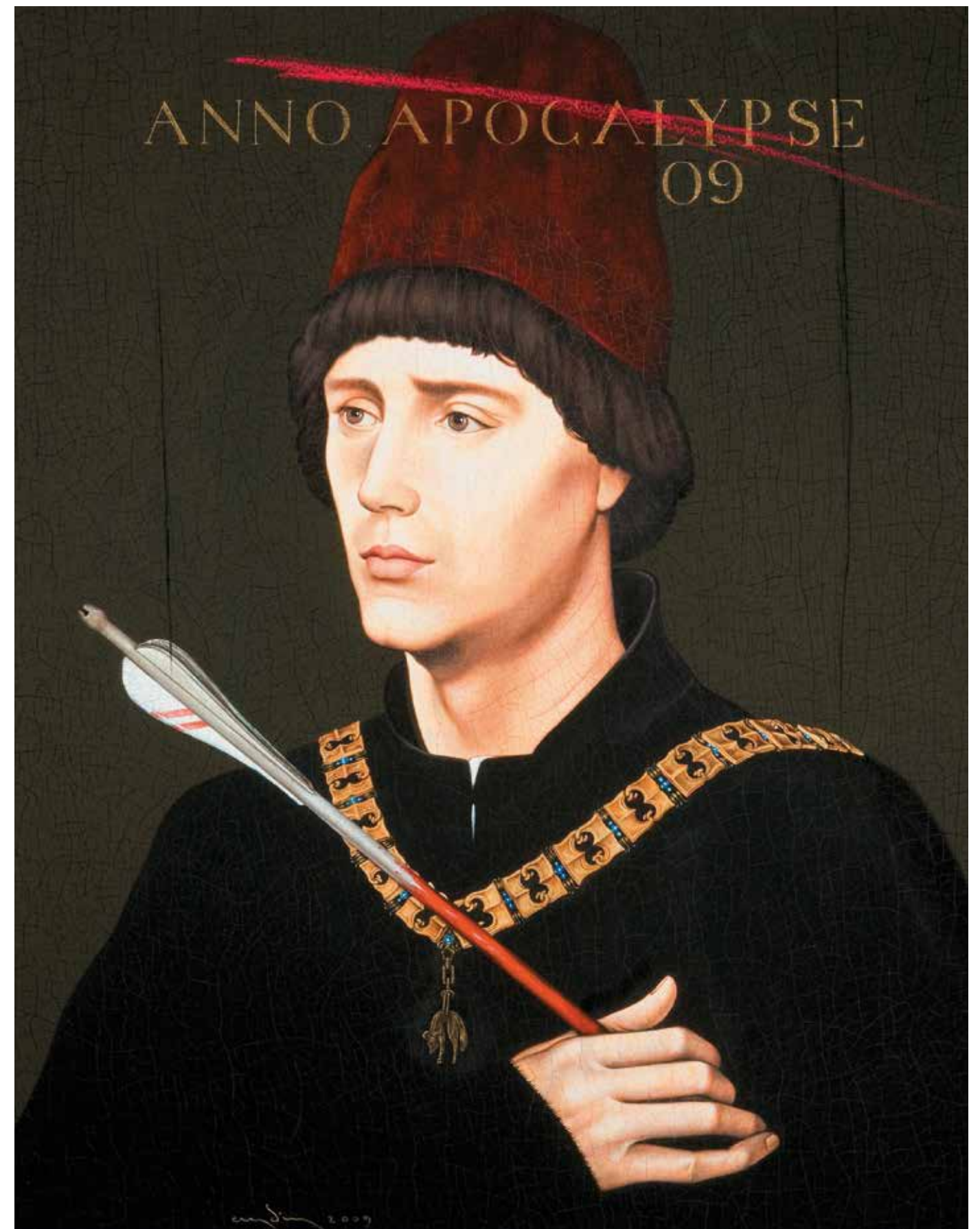


Why the Delicate Bowl? (2014)
From the *Memories of Destruction* series
Gouache on cardboard, diptych, 78×116 cm overall, 78×58 cm each panel

چرا جام لطیف...؟ (۱۳۹۳)
از مجموعه‌ی خاطرات انهدام
گواش روی مقوا، دو لته‌ای، ۷۸×۱۱۶ سانتی‌متر، هر لته ۷۸×۵۸ سانتی‌متر



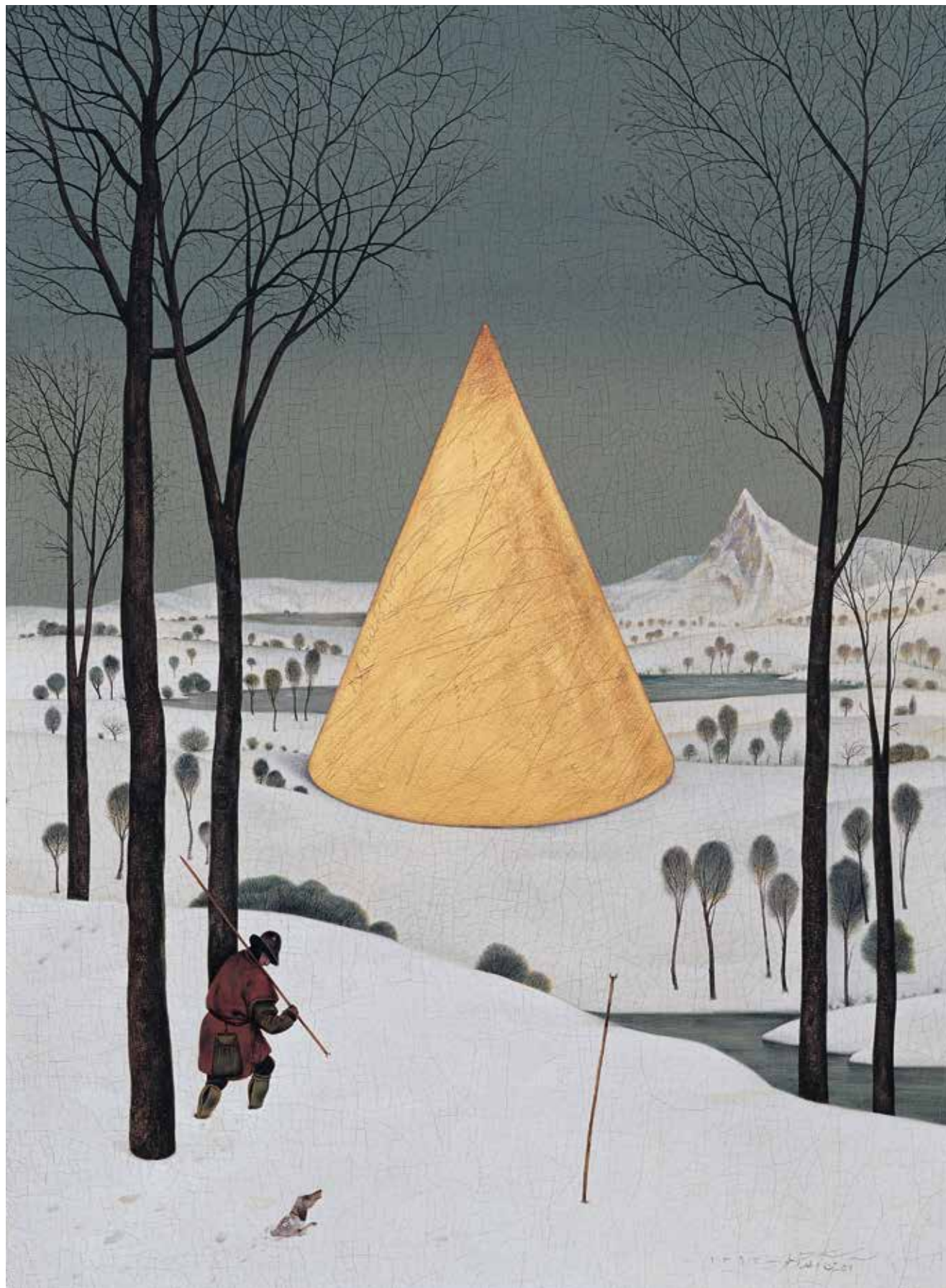






Untitled (1993)
From the *Angels' Intercession* series
Gouache on cardboard, 100×70 cm





اگر هنر نتواند امرِ نو و عتیق را توأمان در خود بیابد بی‌شک خود را از هدیه‌ی پیام‌آوران الهام محروم کرده است. چرا که آنها دختران خاطره‌اند. و خاطره بی‌آن‌که پیوندی بین حال و گذشته برقرار کرده باشد محال است.

و پُرشمار نیستند آنها که هدایایی چنین را از خود دریغ نکرده باشند. و کم‌شمارند آنها که می‌دانند تاریخ بسی افزون بر امری تقویمی است و از آن بر می‌گذرد و چنان به فرهنگ شکل می‌بخشد که سرانجام به اهرمی کارآمد و ابزاری ضروری مبدل می‌شود و در ساختِ زیست‌جهانِ انسانِ معناسازِ جهان‌مند.

و گمان من این است که دستِ کم در سپهر فرهنگی ما که از قرار، آنچه در آن تداول دارد توصیه و دعوت به نسیان است شمار آنها که نصیبی از هدایا دارند باید به اقلّ میزان میل کند.

و شاید آیدین آغداشلو یکی از تکروترین و در عین حال پرنفوذترین آن اقلیت باشد. که دستِ کم و به گواهِ کارنامه‌اش هیچ سرِ آن نداشته تا تن به الگوی اکثریت و قاعده‌ی فرهنگِ فرودست و نسیان‌زده بسپارد.

گوستاو فلوبر زمانی گفت «مادام بواری خود من است». شاید سخن فلوبر را بتوان به این معنا گسترش و تعمیم داد که کردار هنرمند اغلب بازتاب و ترسیم سیمایی از خویشتن است؛ همان طور که آغداشلو هم عنوان نقاشیِ درِ قدیمی و پُر از خط و جراحی را گذاشته است تک‌چهره‌ی نقاش در چهل‌وهشت سالگی. خویشتنِ به نمایش درآمده در کار آغداشلو اما همواره خویشتنی تاریخی است و انسان را در گستره و چشم‌اندازی معنادار توضیح می‌دهد.

افزون بر این می‌توان گفت و دانست که آن فهم تاریخی در کار آغداشلو بهره‌مند از ریتوریکِ خطاب‌گر و طعنه‌زن و تندزبانی است که بیانی چالاک و منضبط را به کار می‌برد و هم از این رهگذر است که می‌توانم ادعا کنم دستکارهای او در نظر من فصیح‌ترین لهجه‌ی تجسمی در هنرِ امروز ایران است؛ فصاحتی که شاید

آن را از سخن‌سرای محبوب‌اش سعدی آموخته باشد. دفورماسیون موگّد و به کارگیری مصرّانه از عنصر تکرار در فرم‌های دکوراتیو، وجوهی آهنگین را پدید آورده‌اند و منجر به ساختِ بیانی مسجّع شده‌اند؛ سجعی که در ادامه و به ناگزیر نوعی رهیافتِ فن‌شناختیِ ویژه را هم طلب می‌کند.

و اهل فن بی‌شک می‌دانند که یک چَمِ قلم‌مو چطور می‌تواند برق هوش را برملا کند و این اشاره را تنها برای آنها می‌نویسم تا یک نوبت دیگر یادآور شده باشم که نژادگی ذائقه و پسندِ پرورده شرطِ این حرفه است. و چندان سخت نخواهد بود برای ما اعتراف به این که او نه تنها شرط لازم، که شرطِ کافی را هم برآورده است.

هنر در بسیاری از فرازهای خود نمایشی از پیکارِ اروس علیه تاناتوس بوده است. نمایشی از نبردی همیشگی و نابرابر. پاره‌ی غالب آثار آغداشلو هم از همین مضمون می‌گوید و آن را به نمایش می‌گذارد. این وجه تماتیک در آثار متأخر او اما صورتی معمایی‌تر به خود می‌گیرد و وجوهی پارودیک را با جنبه‌هایی زیباشناختی در می‌آمیزد.

آنچه به نمایش درمی‌آید همان است که آن را با عنوان زیباییِ تراژیک می‌شناسیم. زیباییِ گریزپا و محکوم به تناهی و مرگ. همان که تاریخ قصه‌های فراوانی را از آن روایت کرده است.

زیبایی ایستاده بر کرانه‌ی تاریخ. همان که دختران خاطره الهام‌بخش و پیام‌آورش بوده‌اند.

بابک روشنی‌نژاد

شهریور ۱۳۹۳



انتشارات کتاب آجان

انتشارات دید

طراحی گرافیک: استودیو شافعی - بازل، سوئیس

عکس: سعید بهروزی، مجید پناهیجو و داود صادق‌سا

پرتره: مهرباب مقدسیان

ترجمه‌ی انگلیسی: سهراب مهدوی

لیتوگرافی و چاپ: چاپ اسکویی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تهران، ایران ۱۳۹۳

آیدین آغداشلو

برگزیده نقاشی‌ها



آیدین آغداشلو

برگزیده نقاشی‌ها

برگزیده نقاشی‌ها